

تعویق صدور حکم در حقوق ایران و فرانسه

رجب گلدوست جویباری*
مجتبی مرادیان**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۵

چکیده

سیاست‌گذاران جنایی یکی از اهدافی که از اعمال پاسخ‌های کیفری دنبال می‌کنند، بازپروری بزهکار به منظور اجتناب از تکرار جرم او است. تعویق صدور حکم از جمله نهادهایی است که از رهگذر کاهش احتمال الصاق برچسب مجرمانه، در پی اصلاح و درمان بزهکار می‌باشد. این نهاد که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تأسی از حقوق فرانسه پیش‌بینی شده است، با به تأخیر انداختن صدور حکم کیفری، موجب می‌شود بزهکار در کانون جامعه و خانواده قرار گیرد و فرصت پیدا کند که به شهروندی مطیع قانون تبدیل شود. در این نهاد، اعمال کیفر به عنوان آخرین حربه مبارزه با بزهکاری می‌باشد.

با توجه به تازه تأسیس بودن نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، موضوعاتی چون تفاوت آن با نهادهای مشابهی مانند تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات، شرایط به کارگیری و آثار آن و بررسی اینکه آیا اشخاص حقوقی نیز می‌توانند از این نهاد بهره ببرند یا خیر از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. از این رو، نوشتار حاضر بر آن است تا با نگاهی تطبیقی به حقوق فرانسه مقررات نهاد تعویق صدور حکم را به بوته نقد و تحلیل بکشد و ضمن طرح ابهامات آن، پاسخ‌هایی ارائه دهد.

کلید واژگان

تعویق صدور حکم، بازپروری بزهکار، تعویق ساده، تعویق مراقبتی.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

rajabgoldoust@gmail.com

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

مقدمه

یکی از اهداف مهم هر نظام عدالت کیفری بازدارندگی از جرم است. به طور کلی بازدارندگی جنایی، به اصل پیشگیری مربوط و از دو جهت مدنظر قرار می‌گیرد. اول اینکه بزهکاران بالقوه را از طریق تهدید نسبت به پیامدهای جرم (بازداشت، محاکمه، محکومیت، مجازات) از ارتکاب آن منصرف کند (بازدارندگی عام)^۱ و دوم بزهکار پس از تحمل کیفر مرتکب تکرار جرم نشود (بازدارندگی خاص). سیاست‌گذاران جنایی برای نیل به بازدارندگی خاص، بازپروری بزهکاران را مدنظر قرار داده‌اند.^۲ در این رویکرد اصلاح‌گرا، نشان داده می‌شود که مجرمان خودشان قربانیان بی‌عدالتی، فقر و... در جامعه هستند.^۳ به این ترتیب، مجرمان به عنوان افرادی به تصویر کشیده می‌شوند که به خاطر عدم خودکنترلی، نیاز به کمک دولت دارند. اگر افراد قانون را رعایت نمی‌کنند، باید آنها را به وسیله برنامه‌های اصلاحی همراه با مشاوره و مراقبت روان‌شناسانه با جهت‌گیری اجتماعی درمان کرد.^۴ در این دیدگاه در ابتدا بر استفاده از حبس به عنوان مکانی مناسب برای اجرای برنامه‌های اصلاحی و درمانی تکیه می‌کردند اما امروزه روشن شده است که نه تنها حبس نتوانسته کارکرد اصلاحی - درمانی خود را داشته باشد بلکه تبدیل به مکانی برای تشکیل خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه شده است.^۵ به همین جهت امروزه تصمیم‌گیران سیاست جنایی از راهبردها و روش‌های جدید برای بازپروری مجرمان استفاده می‌کنند. راهبردهایی که بتواند تا حد امکان مجرم را از طریق حضور در جامعه و انجام تدابیر درمانی اصلاح کنند و از

۱. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ **دانشنامه جرم‌شناسی**، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹.

2. Malley, Pat. O, "Penal policies and Contemporary Politics", In: Chambliss, William. J (Advisory Editors), *The Blackwell Companion to criminology*, Blackwell publishers, 2007, p195.

3. Siegel, Larry J. & Joseph j. Senna, *Introduction criminal justice*, Thomson & Wads Worth, 2009, p 479.

4. Zaibert, Leo, *Punishment and Retibution*, Ashgate publishing company, 2005, P 50.

۵. قجاوند، کاظم؛ **مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس**، مجله اصلاح و تربیت، ش ۱۰۲، ۱۳۸۹، ص ۲۴.

تکرار جرم او پیشگیری نمایند.^۱ تعویق صدور حکم از جمله نهادهای نوینی است که در راستای سیاست اصلاحی- درمانی می‌باشد و شرایط بازپروری بزهکار را با حضور در اجتماع و در محیط خارج از زندان فراهم می‌کند. کلمه تعویق به معنای «بازداشتن، عقب انداختن و تأخیر و درنگ کردن در کاری»^۲ است. معنای اصطلاحی این نهاد از معنای لغوی خود چندان دور نیست. به این صورت که دادگاه پس از احراز مجرمیت مرتکب، در صورت وجود شرایط مقرر در قانون صدور حکم وی را برای دوره زمانی مشخصی به تأخیر می‌اندازد. به عبارت دیگر، قانون‌گذار جایز دانسته است که قبل از صدور حکم و تعیین کیفر، به مجرمین کم‌خطر و قابل اصلاح فرصت داده شود که با حضور در جامعه و در صورت اقتضا با اجرای دستورات مقام قضایی، خود را با هنجارهای اجتماع منطبق سازد. بنابراین، تعریفی که می‌توان از این نهاد ارائه کرد عبارت است از: «به تأخیر انداختن صدور حکم محکومیت برای دوره مشخص، پس از مجرم شناختن فرد مرتکب با توجه به خصوصیت جرم ارتكابی و ویژگی‌های فردی». البته این امر به معنای عدم صدور رأی در این مقطع دادرسی نمی‌باشد، بلکه قاضی مبادرت به صدور قرار می‌کند که در آن مدت تعویق، تدابیر و دستوراتی که حسب امر دادگاه مرتکب باید رعایت کند و ضمانت اجرایی عدم رعایت آنها و ارتکاب جرم جدید در مدت تعویق تصریح می‌شود.

در این نگارش، ابتدا تفاوت نهاد تعویق صدور حکم با نهادهای تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات و پیشینه آن بیان می‌شود. سپس مقررات مربوطه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به بوته نقد و تحلیل کشیده خواهد شد. نگاه تطبیقی با حقوق فرانسه بر این تحقیق حاکم است.

گفتار اول: تعویق صدور حکم در پرتو نهادهای مشابه و پیشینه آن

با توجه به تازه تأسیس بودن نهاد تعویق صدور حکم، در این گفتار ابتدا این نهاد با سایر نهادهای مشابه مقایسه (بند اول) و سپس سابقه آن (بند دوم) مطرح می‌گردد.

1. Sdane, M.D. Marligan and Krause. Wesley, Community Corrections, Macmillan publishing company, 1993, P 33.

۲. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، ج اول، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۷۰۰.

بند اول: مقایسه تعویق صدور حکم با سایر نهادهای مشابه

نهاد تعویق صدور حکم بر اساس ماهیت، ویژگی‌ها و شرایط اعمال آن وجوه تشابه و تفاوت مختلفی با نهادهای تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات دارد. در ذیل به مقایسه نهاد تعویق صدور حکم با این دو نهاد پرداخته می‌شود.

الف) تعلیق تعقیب

تعقیب جرائم مهم‌ترین وظیفه دادسرا است تا پس از تشکیل و تکمیل پرونده تحقیقات مقدماتی، زمینه محاکمه و صدور حکم توسط دادگاه فراهم گردد. از این تکلیف به عنوان اصل قانونی بودن تعقیب یاد می‌شود. با این حال، گاه اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم به گونه‌ای است که نشان می‌دهد مجرم کم‌خطر است، خسارت زیان دیده جبران شده یا در حال جبران است و آثار جرم بر نظم عمومی اندک و قابل مسامحه می‌باشد. در چنین شرایطی، آثار نامطلوب تعقیب و مجازات متهم ممکن است بیش از فواید و مزایای آن باشد. با توجه به چنین برداشتی، در نیمه دوم قرن بیستم اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب مورد توجه حقوق دانان و سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفت.^۱

در پرتو اصل مناسب بودن تعقیب، نهاد تعلیق تعقیب مطرح می‌شود.^۲ تعلیق تعقیب به معنای معلق کردن پیگرد و تعقیب دعوای کیفری از سوی دادستان برای دوره زمانی معین است.^۳ این نهاد برای اولین بار با تصویب ماده ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۵۲ وارد نظام حقوقی ایران شد. این نهاد در سال ۱۳۵۶ در ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری با کمی تغییر ابقا گردید. اما در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و همچنین قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ به این نهاد اشاره‌ای نشد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این نهاد در ماده ۸۱ پیش‌بینی شده است.^۴

۱. آشوری، محمد؛ **آیین دادرسی کیفری**، ج نخست، تهران، انتشارات سمت، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸، ص ۸۵.
 ۲. خالقی، علی؛ **آیین دادرسی کیفری**، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۳۸.

۳. آشوری، محمد؛ **پیشین**، ص ۸۵.

۴. در نظام حقوقی فرانسه بر خلاف نظام حقوقی ایران قاعده متناسب بودن یا موقعیت داشتن تعقیب کیفری اصل می‌باشد. در واقع، زمانی که جرمی کشف می‌شود یا جرمی اعلام یا مورد شکایت قرار می‌گیرد، اینگونه نیست که مقام تعقیب بلافاصله اقدام به تعقیب و پیگرد قانونی نماید؛ بلکه ابتدا یک برآورد و سنجشی از شدت جرم ارتكابی،

همان‌طور که مشخص است تفاوت اصلی نهاد تعلیق تعقیب با نهاد تعویق صدور حکم در مرجع صادر کننده آنها است. قرارهای تعلیق تعقیب در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا توسط مقام تعقیب و تحقیق صادر می‌شود ولی نهاد تعویق صدور حکم در مرحله رسیدگی در دادگاه و توسط قاضی صادر کننده حکم مورد استفاده قرار می‌گیرد. تفاوت دیگر آنها این است که در مورد اول هنوز مجرمیت فرد ثابت نشده اما در نهاد تعویق صدور حکم، دادگاه پس از احراز بزهکاری، صدور حکم را به تعویق می‌اندازد.

ب) تعلیق اجرای مجازات^۱

یکی از واکنش‌های شایع که در اعصار مختلف، همواره برای مقابله با پدیده جرم و بزهکاری مورد استفاده بشر قرار گرفته است مجازات حبس می‌باشد. یکی از اهدافی که برای مجازات زندان در نظر گرفته شده، هدف اصلاحی و تربیتی آن برای فرد زندانی است. اما آنچه در عمل مشاهده شده، این است که نه تنها این هدف تأمین نشده بلکه زندان به عنوان محیط تعلیمی ناخودآگاهی عمل کرده که محکومان به حبس‌های غیرضروری در آنجا به صورت کاملاً تخصصی در ارتباط با مجرمین خطرناک، جری‌تر می‌گردند.^۲ از این رو، جایگزین‌های زندان مطرح شد. تعلیق مراقبتی^۳ یکی از مهم‌ترین این جایگزین‌ها است که هدف اصلی آن کاستن از تعداد جرائم و شمار زندانیان می‌باشد.^۴

اندیشه تعلیق اجرای مجازات که مشهور به نظام فرانسوی-بلژیکی است^۵، تحت تأثیر مکتب تحقیقی وارد قوانین کشورهای اروپایی شد و از طریق کشور فرانسه به نظام کیفری ایران وارد

شدت برهم خوردن نظم عمومی، هزینه‌های مختلف تعقیب و اجرای مجازات به عمل می‌آورد و سپس در صورتی که تعقیب را مناسب بداند اقدام به تعقیب می‌نماید در غیر این صورت پرونده بایگانی می‌شود. (یوریکان، ژان و سیمون، آن ماری؛ **آیین دادرسی کیفری**، ترجمه عباس تدین، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

1. Suspension of Sentence.

۲. حاجی تبار فیروزجایی، حسن؛ **جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران**، چاپ اول، ۱۳۸۶، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۲۷.

3. Probation.

4. Holman, John and Quinn, James F. Criminal justice: principles and perspectives, West publishing Company, US. 1995, P 375.

۵. هامایی، کواشی و دیگران؛ **تعلیق مراقبتی در دنیا**، ترجمه حسین آقایی‌نیا، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷،

گردید.^۱ این نهاد از زمان تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ همواره مورد توجه تصمیم‌گیران سیاست‌جنایی بوده در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به آن اشاره شده است. نهاد تعلیق اجرای مجازات که هدف اصلی آن بازپروری بزهکاران می‌باشد، به دو صورت ساده و مراقبتی پیش‌بینی شده است. در تعلیق مراقبتی بر خلاف نوع ساده آن، بزهکار باید در مدت تعلیق تعهدات و شرایط تعیین شده توسط دادگاه را رعایت نماید.

تعلیق اجرای مجازات برای نخستین بار در قالب قانون تصویب شده در ۲۶ مارس ۱۸۹۱ میلادی مشهور به قانون برانژر^۲ وارد نظام حقوقی فرانسه گردید و از آن تاریخ تاکنون همواره توجه قانون‌گذار را به خود جلب نموده است.^۳ این نهاد به سه صورت ساده، مراقبتی و همراه با انجام کار عام المنفعه پیش‌بینی شده است. باید توجه داشت که دو مورد اخیر از جمله جایگزین‌های حبس محسوب می‌شوند.

در تفاوت میان نهادهای تعلیق اجرای مجازات با تعویق صدور حکم باید گفت که در مورد اول، قاضی حکم مجازات مجرم را صادر می‌کند اما اجرای این حکم را برای مدت معینی معلق می‌نماید حال آنکه در مورد اخیر، اساساً دادگاه صدور حکم مجازات را به تأخیر می‌اندازد. تفاوت دیگری که البته در حقوق فرانسه بین این دو نهاد مشهود است، عبارت می‌باشد از اینکه تعلیق مراقبتی و تعلیق همراه با انجام کار عام المنفعه برخلاف تمام گونه‌های تعویق صدور حکم به عنوان جایگزین‌های حبس محسوب می‌شوند.

بند دوم) پیشینه نهاد تعویق صدور حکم

نهاد تعویق صدور حکم ریشه در نظام پروباسیون یا تعلیق مراقبتی در تجربه گرایمی انگلوساکسون دارد. این نظام که در سال ۱۸۴۱ به ابتکار جان آگوستوس^۴ در بستون ودر بیرمنگام به کوشش هیل به وجود آمد، عبارت از تعویق صدور حکم محکومیت بزهکار، از یک سو و تحت

ص ۵۹.

۱. آقای جنت مکان، حسین؛ **حقوق کیفری عمومی**، ج دوم، تهران، نشر جنگل، چاپ نخست، ۱۳۹۰، ص ۳۲۵.

2. Loi Beranger.

۳. لوترمی، لورانس و کلب، پاتریک؛ **بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه**، ترجمه محمود روح الامینی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲.

4. John Augustus.

مراقبت قرار دادن وی برای یک مدت آزمایشی از سوی دیگر است.^۱ آگوستوس که یک کفاش بود در زمان خود از قاضی خواست که تعیین مجازات مجرمانی را به تأخیر بیندازد و آنها را برای مدتی تحت نظارت او واگذارد. هرچند او در ابتدا تلاش‌های خود را بر روی اعتیاد به الکل متمرکز کرده بود ولی بعد دامنه تلاش‌های خود را به بزهکاری اطفال و شرب خمر بزرگسالان توسعه داد.^۲

نهاد تعویق صدور حکم تا به حال در قلمرو سیاست جنایی ایران سابقه نداشته است. همواره در نظام کیفری ایران، اصل این بوده است که قاضی پس از احراز مجرمیت مرتکب به صدور حکم محکومیت مبادرت ورزد.^۳ اولین بارقه‌های توجه به نهاد تعویق صدور حکم در ماده ۲۵ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان دیده می‌شود. اما این لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید. این نهاد که نظر سیاست‌گذاران جنایی را به خود جلب کرده بود، نهایتاً در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل پنجم ذیل بخش مجازات‌ها از کتاب اول (مواد ۴۰ تا ۴۵) پیش‌بینی شد.

در نظام حقوقی فرانسه نیز اولین بار در سال ۱۹۷۵ میلادی با اقتباس از نظام حقوقی کامن لو مورد توجه قرار گرفت. توضیح آنکه در حقوق فرانسه تا قبل از این تاریخ، دادگاه‌های کیفری حق معاف کردن بزهکار را از مجازات نداشتند مگر به دلایلی که در قانون تصریح شده بود (علل معاف کننده قانونی). در آن زمان شرایط به گونه‌ای بود که دادسرا با وجود محرز بودن وقوع جرم اختیار تشخیص به مصلحت بودن تعقیب کیفری را داشت در حالی که دادگاه حتی بعد از آنکه مجرم رفتار شایسته از خود نشان می‌داد و به جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی می‌پرداخت، اختیار مشابهی در صورت اقتضا نداشت. تا اینکه قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵، علت قضایی معاف کننده از مجازات را مد نظر قرار داد. این قانون به قاضی اجازه می‌داد که در صورت وجود شرایط مقرر تصمیم خود را به تعویق بیندازد.^۴ این قانون تنها تعویق ساده را پیش‌بینی کرده بود و

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ پاورقی در: پردل، ژان؛ **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه علی حسین

نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۰، ص ۱۹.

۲. رضایی، غلامحسین؛ **پیشین**، ص ۱۰۹.

۳. ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری.

۴. گاستونی استفانی و همکاران؛ **حقوق جزای عمومی**، ترجمه حسن دابان، ج دوم، تهران، انتشارات دانشگاه

علامه طباطبایی، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۷۵.

خلاء وجود تدابیر معاضدتی و بازپرورانه و گاه ترمیمی نسبت به بزه‌دیدگان که دادگاه بتواند مجرم را به آنها ملزم کند احساس می‌شود. قانون ۶ اوت ۱۹۸۹ نهاد تعویق صدور حکم توأم با آزمایش را ایجاد کرد و به این محظور پاسخ داد.^۱ اکنون نیز در مجموعه قانون کیفری ۱۹۹۴ ذیل فصل دوم (نظام کیفرها) از بخش سوم (کیفرها) به عنوان ششمین شیوه شخصی کردن کیفرها، نهاد تعویق صدور حکم پیش‌بینی شده است.

گفتار دوم: شروط لازم برای صدور قرار تعویق صدور حکم

برای به تعویق انداختن صدور حکم محکومیت مرتکب، شروطی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در نظر گرفته شده است. می‌توان این شروط را به دو دسته شروط ایجابی و سلبی تقسیم کرد. در ذیل، هر کدام از این دو دسته در دو بند تشریح می‌شوند.

بند اول: شروط ایجابی

این دسته، شروطی را در بر می‌گیرند که وجود آنها شرط لازم برای به تعویق انداختن صدور حکم است که عبارتند از:

الف) تعزیری بودن جرم ارتكابی

مجازات‌ها در حقوق ایران بر اساس مجازات‌های شرعی هستند. مقصود از این مجازات‌ها، کیفرهایی هستند که یا به طور ثابت در شرع معین شده یا به نظر حاکم شرع واگذار گردیده اند. مجازات‌ها در شرع مقدس اسلام به چهار دسته حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شوند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌ها را در ماده ۱۴ به ۴ دسته تقسیم کرده است. این ماده اشعار می‌دارد: «مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف) حد

ب) قصاص پ) دیه ت) تعزیر»

تعویق صدور حکم تنها در مورد جرائم قابل تعزیر اعمال می‌شود. پس حدود، قصاص و دیات از شمول بحث ما خارج هستند. قاعده مسلم تعزیرات عبارت است از: «التعزیر بما یراه الحاکم

۱. نجفی ابرند آبادی، علی حسین: «مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)»، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست ششم، ۱۳۹۰، ص ۵۸۰.

« که براین اساس فقهای امامیه معتقدند که تعیین کمیت و کیفیت تعزیر بر عهده حاکم^۱ می‌باشد. مسلماً هدف و غایتی که حاکم به نسبت هر جرم در نظر می‌گیرد در تعیین تعزیر نقش اساسی دارد. بر این اساس اگر جرم شدید باشد و حفظ نظم جامعه ملاک قرار گیرد و هدف صرفاً اصلاح و تربیت مجرم نباشد، حاکم بدون هیچ مسامحه‌ای می‌تواند مجازات سنگینی در نظر بگیرد و بر عکس در جرائم خفیف که بیش از هر چیز اصلاح و بازسازی مجرم ملحوظ نظر است مجازات خفیف تعیین شود. همچنین اگر اصلاح مجرم در گرو عدم تعزیر وی باشد حاکم می‌تواند حتی بدون توبه بزهکار، او را معاف از مجازات نماید. عبارتی از شیخ طوسی (ره) در کتاب الخلاف وجود دارد که دلالت بر این مطلب می‌کند: **«التعزیر الی الامام بلا خلاف الا أنه إذا علم أنه لا یردعه إلا التعزیر لم یجز له ترکه، و ان علم أن غیره یقوم مقامه من الکلام و التعمیف کان له أن يعدل الیه، و یجوز له تعزیره^۲»**. تعزیر در اختیار حاکم است و در این مطلب اختلافی وجود ندارد، مگر آن جایی که حاکم بداند مجرم جز با اجرای تعزیر [از ارتکاب جرم] بازداشته نمی‌شود که در این صورت نمی‌تواند اجرای تعزیر را ترک کند، و اگر بداند که با غیر از تعزیر مثل موعظه و عتاب بازداشته می‌شود و اصلاح می‌گردد می‌تواند مجازات را تعدیل کند و تخفیف دهد و برای او جایز است که تعزیر کند^۳. پس در صورتی که مصلحت اقتضا کند، حاکم می‌تواند به جای معاف کردن بزهکار از کیفر، صدور حکم کیفری را برای مدت معینی به تعویق بیاندارد.

قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۹ مجازات‌های تعزیری را به هشت درجه تقسیم کرده است. ماده ۴۰ نیز تنها در مجازات‌های تعزیری درجه شش تا هشت اعمال نهاد تعویق صدور حکم را جایز

۱. باید متذکر شد که منظور از حاکم در قاعده فوق مدیریت جامعه اسلامی می‌باشد. برای دیدن ادله و تفصیل بحث نگاه کنید به: محقق داماد، سید مصطفی؛ **قواعد فقه ۴ (بخش جزایی)**، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳-۲۳۶.

۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ **الخلاف**، ج ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه. ق، ص ۴۹۷.

۳. برای تفصیل بحث نگاه کنید به: مرادیان، مجتبی؛ «تعویق صدور حکم کیفری در حقوق ایران و فرانسه»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۲۳-۲۷.

۴. شیخ طوسی این نظر را در کتاب المبسوط خود ابراز کرده‌اند (طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۸، تهران، المكتبة‌المرتبویه لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۶۶).

دانسته است. بر پایه ماده ۱۹، تعزیرات درجه شش تا هشت عبارتند از: «حس تا دو سال، جزای نقدی تا هشتاد میلیون ریال، شلاق تا نودو نه ضربه، محرومیت از حقوق اجتماعی تا پنج سال، انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی تا مدت پنج سال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی تا مدت پنج سال» سیاست‌گذاران جنایی برای نوجوانان بزهکار در بهره‌مندی از این نهاد ارفاق بیشتری قائل شده‌اند. ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی در این رابطه بیان می‌کند: «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.» بنابراین تعویق انداختن صدور حکم مجازات نوجوانان محدود به تعزیری درجه شش تا هشت نمی‌باشد.

در نظام حقوقی فرانسه نیز نهاد تعویق صدور حکم در مورد تمام دسته‌های جرائم اعمال نمی‌شود؛ بلکه یکی از شروط بهره‌مندی از این نهاد، جنحه‌ای یا خلاقی بودن جرم ارتكابی می‌باشد (ماده ۵۸-۱۳۲ قانون جزای جدید فرانسه). نکته قابل ذکر این است که قانون‌گذار فرانسوی برای اطفال بزهکار، هیچ ارفاقی را نسبت به بزرگسالان در بهره‌مندی از این نهاد قائل نشده است.

ب) وجود جهات تخفیف

چنانکه بند الف ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند یکی از شرایط اجابایی که دادگاه بتواند به موجب آن صدور حکم مجازات را به تعویق بیاندازد، وجود جهات تخفیف است. این جهات در ۸ بند در ماده ۳۸ قانون مذکور ذکر شده است. نکته قابل تأمل در مورد شرط مذکور این است که در بند یک ماده ۴۰ به صورت عام بیان شده است «وجود جهات تخفیف». حال، آیا باید تمام این جهات با هم باشند تا بتوان صدور حکم را به تعویق انداخت یا وجود یکی از این جهات نیز کافی است؟ این ابهام زمانی قوی تر می‌شود که توجه کنیم، در ماده ۳۷ بیان شده است که وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف می‌تواند باعث تخفیف در مجازات شود و وجود تمام جهات نیازی نیست اما در ماده ۴۰ با اینکه قانون‌گذار در مقام بیان بوده به طور عام به ذکر «وجود جهات تخفیف» بسنده کرده است.

اگر قائل شویم به اینکه وجود تمام جهات تخفیف ضروری است، اگر چه با ظاهر بند الف ماده ۴۰ تطابق می‌کند اما اولاً: قلمرو اعمال این نهاد را بسیار محدود کرده ایم و ثانیاً: در این صورت دیگر نیازی به ذکر بند پ یعنی «جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن» نبود، زیرا، این شرط هم بر اساس بند ج ماده ۳۸ یکی از جهات تخفیف می‌باشد و نیازی به تصریح آن به عنوان شرطی مجزا نبوده است. بنابراین به نظر می‌رسد با تفسیر به نفع متهم وجود یکی از جهات تخفیف نیز برای به تعویق انداختن صدور حکم کافی می‌باشد.

اما سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که با وجود شرط «جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران» که بر اساس بند ج ماده ۳۸ خود یکی از جهات تخفیف می‌باشد، آیا وجود جهت یا جهات دیگر مخففه‌ای لازم است یا خیر؟ اگر قائل شویم که با تحقق این شرط، نیازی به جهات مخففه دیگری نیست، در این صورت بند الف ماده ۴۰ به امری زائد تبدیل می‌شود. به نظر می‌رسد وجود جهتی از جهات مخففه برای تعویق صدور حکم کافی است اما این جهت باید جهتی غیر از کوشش متهم برای جبران زیان ناشی از جرم باشد. در نظام کیفری فرانسه چنین شرطی برای استفاده از نهاد تعویق صدور حکم پیش‌بینی نشده است.

ج) پیش‌بینی اصلاح مرتکب

این شرط بیان‌کننده یکی از مبانی ورود این نهاد به نظام حقوقی ما یعنی بازپروری و بازسازی مجرم است^۱ و به همین دلیل داشتن قابلیت اصلاح، شرطی اساسی در استفاده از این نهاد می‌باشد. در واقع، بازپروری بزهکار همچون کیمیایی است که وجود او را از فردی معارض هنجارهای اجتماعی، به عضوی از جامعه که هم‌نوا با الزامات زندگی اجتماعی و مقید به ارزش‌های آن است، تبدیل می‌نماید.^۲

۱. البته گفتنی است که می‌توان بین بازپروری و بازسازی با جامعه تفکیک قائل شد. بازپروری تلویحاً این را می‌رساند که برنامه‌های اصلاحی و درمانی روی مجرم پیاده شود و او را که به عنوان یک بیمار یا حداقل دارای نواقص عاطفی، احساسی، روانی و ... شناسایی شده اصلاح کند و به جامعه برگرداند اما بازسازی مجرم با جامعه این معنا را می‌رساند که علاوه بر مجرم به نقش جامعه در یاری رساندن به بزهکار برای تبدیل شدن وی به یک فرد مسئول در جامعه تمرکز دارد. البته غالباً این دو کلمه به جای یکدیگر و به صورت مترادف استفاده می‌شود.

۲. برای دیدن مبانی این نهاد نگاه کنید به: مرادیان، مجتبی؛ پیشین، ص ۸-۲۱.

3. Norrie, Alan, Punishment, Responsibility and Justice, A Relational Critique, Oxford

شرط مشابهی برای بهره‌مندی از نهاد تعویق صدور حکم در نظام حقوقی فرانسه پیش‌بینی شده است. صدر ماده ۶۰-۱۳۲ قانون جزای جدید فرانسه اشعار می‌دارد: «**هنگامی که به نظر می‌رسد بازپروری اجتماعی بزهکار در حال حاصل شدن است... دادگاه می‌تواند صدور کیفر را به تأخیر بیاندازد.**»

د) جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

این شرط نشان‌دهنده توجه سیاست‌گذاران جنایی به بزه دیده شناسی حمایتی یا ثانویه می‌باشد. وجود چنین شرطی، هم باعث می‌شود که بزه دیده به تشفی خاطر و جبران خسارت وارده به او برسد و هم موجب می‌شود که مجرم برای گرفتن رضایت و جبران خسارت بزه دیده تلاش کند و این امر خود زمینه بهبود روابط اجتماعی بین طرفین را فراهم می‌کند. البته لازم به ذکر است که رضایت شاکی یا بزه دیده شرط صدور قرار تعویق صدور حکم نمی‌باشد بلکه آنچه اهمیت دارد جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران این خسارات می‌باشد. سؤال قابل طرح این می‌باشد که آیا منظور از ضرر و زیان، خسارت مادی است یا خسارات معنوی هم شامل می‌شود؟ با توجه به ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ که خسارات معنوی و جبران آنها را به رسمیت نشناخته بود، پاسخ منفی بود. اما با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به نظر می‌رسد که منظور تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی این بوده که علاوه بر ضرر و زیان مادی، زیان معنوی هم شامل ماده شود. زیرا، ماده ۱۴ این قانون بیان می‌کند که شاکی می‌تواند جبران تمام ضررهای مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. در آخر باید اشاره‌ای کرد به رأی شماره ۱۰-۲۳۳/۳/۱۳۶۲ هیئت عمومی دیوان عالی که دیه را از مصادیق ضرر و زیان و اخص از آن دانسته است. بنابراین اگر راننده‌ای در اثر بی احتیاطی به عابر بزند و موجب مرض جسمی یا دماغی غیر قابل علاج او شود، مادامی که برای پرداخت دیه ترتیبی برقرار نکرده نمی‌تواند از نهاد تعویق بهره

University press, 2002, p 23.

۱. توجهی، عبدالعلی؛ «اندیشه حمایت از بزه دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آثوری)، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۶۱۶.

ببرد. البته بعضی از حقوق دانان به علت اینکه دپه مجازات است، این رأی دیوان را مورد انتقاد قرار داده‌اند.^۱

در حقوق فرانسه نیز چنین شرطی برای امکان اعمال این نهاد پیش‌بینی شده است. البته در این شرط هم جبران زیان وارد بر اشخاص مدنظر قرار گرفته است و هم جبران ضرر وارد بر جامعه. بنابراین، این شرط با دو جهت مطرح شده است، اول اینکه، خسارت و ضرر و زیان پدید آمده از جرم در حال جبران باشد و دوم اینکه، بی‌نظمی که با ارتکاب جرم ایجاد شده است در آستانه متوقف شدن باشد.^۲ نکته قابل ذکر دیگر این است که مقنن فرانسوی در ذیل ماده ۵۸-۱۳۲ بیان داشته است که دادگاه هم زمان با صدور رأی در مورد جرم متهم (اعم از حکم معافیت یا به تعویق انداختن صدور حکم)، در صورت امکان در مورد دعوای خصوصی نیز حکم صادر می نماید.

بند دوم: شروط سلبی

منظور از شروط سلبی مواردی است که عدم وجود آنها شرط به تعویق انداختن صدور حکم می‌باشد. این شروط عبارتند از:

الف) فقدان سابقه کیفری مؤثر

یکی از شروطی که در قانون مجازات اسلامی برای به تعویق انداختن صدور حکم لازم شمرده شده این است که مرتکب سابقه کیفری مؤثر نداشته باشد. اما منظور از این سابقه کیفری چیست؟

تبصره ماده ۴۰ اشعار می‌دارد: «**محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.**» بنابراین با توجه به ماده ۲۵ می‌توان گفت که منظور از سابقه کیفری مؤثر، سابقه داشتن محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی است که مجازات قانونی آنها سلب حیات،

۱. نورپها، رضا؛ **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۷، ص ۴۳۵.
 ۲. براساس این شرط، تأثیر رویکرد عدالت ترمیمی بر این نهاد قابل مشاهده است. (نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲).

حبس ابد، قطع عضو، قصاص عضو، نفی بلد، شلاق حدی و حبس بیش از دو سال می‌باشد. پس اولاً: صرف داشتن محکومیت قطعی در جرائم فوق کفایت می‌کند و تفاوتی ندارد که حکم قطعی اجرا شده باشد یا نه و ثانیاً: این محکومیت قطعی باید در اثر جرائم عمدی حاصل شده باشد نه غیرعمد.

در نظام حقوقی فرانسه چنین شرطی برای استفاده از نهاد تعویق صدور حکم پیش‌بینی نشده است و حتی مجرمانی که سابقه محکومیت به جرائم شدید را دارند، با وجود شرایط مقرر در قانون می‌توانند از این نهاد ارفاقی بهره ببرند.

ب) غیر قابل تعویق نبودن جرم ارتکاب یافته

قانون‌گذار به تعویق انداختن صدور حکم تعدادی از جرائم را به علت شدت و وخامت که دارند و تأثیرات نامطلوبی که بر روی نظم، امنیت، اقتصاد و آرامش شهروندان جامعه می‌گذارند، ممنوع اعلام کرده است. به این منظور، قانون‌گذار علاوه بر اینکه در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات درجه ۱ تا ۵ را ممنوع از تعویق صدور حکم دانسته است، در ماده ۴۷ نیز ذیل مقررات تعلیق اجرای مجازات، جرائمی نام برده شده‌اند که اگر هم جزء تعزیرات درجه ۶ تا ۸ باشند، باز غیر قابل تعویق می‌باشند. این جرائم عبارتند از: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات، جرائم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا، قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان، تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الارض، جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال.

بعضی از حقوق دانان به طور کلی محروم شدن مرتکبین قابل بازپروری جرائم سنگین از نهادهای ارفاقی اصلاحی-درمانی چون تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و... را صرفاً به این دلیل که جرم ارتکابی آنها شدید می‌باشد، مورد انتقاد قرار داده‌اند.^۱ اما به نظر می‌رسد که تنها هدف عدالت کیفری بازپروری مجرم نیست. گاه در جرائم سنگین، هدف ارباب و بازدارندگی

۱. اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی، ج دوم، تهران، نشر میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۸۶، ص ۲۴۲.

سایرین بر هدف بازپروری مجرمین غلبه پیدا می‌کند. حتی ممکن است عامه مردم از عدم اجرای کیفر (در قالب بهره‌مندی از نهادهای اصلاحی-درمانی) بر این مجرمین احساس بی‌عدالتی کنند. عامه مردم نخواهند پذیرفت مجرمی که سه هزار میلیارد اختلاس کرده یا جرائم شدید علیه عفت عمومی مرتکب شده به بهانه اصلاح و درمان حکم آنها تعویق یا مجازاتشان معلق شود. بهتر این بود که مقنن در تمام تعزیرات نهاد تعویق صدور حکم را می‌پذیرفت و به قاضی اختیار می‌داد با توجه به اثر جرم بر نظم عمومی و شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم و ویژگی‌های مرتکب، هدف از کیفر را مدنظر قرار داده (نه اینکه فقط معیار قابلیت باز پروری بزهکار کافی باشد)، تا از این نهاد استفاده نماید.

در نظام حقوقی فرانسه نیز اگر چه جرائم خاصی به عنوان جرائم غیر قابل تعویق احصا نشده اما استفاده از این نهاد تنها در جرائم نه چندان سنگین جنحه و سبک خلاف امکان پذیر است. به عبارت دیگر، این شرط این گونه در قانون جزای فرانسه ظهور پیدا کرده است که «**جرم ارتكابی از درجه جنایت نباشد.**»

گفتار سوم: قلمور اختیارات دادگاه

دادگاه بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اختیاراتی در زمینه استفاده از نهاد تعویق صدور حکم و تعیین نوع تعویق آن دارد. در ذیل، به تشریح هر کدام پرداخته می‌شود.

بند اول: اختیار دادگاه در به تعویق انداختن صدور حکم

به تعویق انداختن صدور حکم از اختیارات دادگاه شمرده شده است. زیرا، در صدر ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی عبارت «**دادگاه می‌تواند**» به کار رفته است. بر این اساس، تعویق صدور حکم از جمله سیاست‌های ارفاقی است که برای بزهکار در نظر گرفته شده تا وی بداند که جامعه به دنبال انتقام‌گیری از او نمی‌باشد و هدف مجازات اصلاح و باز سازی او با جامعه است. سؤال قابل طرح در مورد قلمرو این اختیار است. به این صورت که آیا قاضی می‌تواند از به تعویق انداختن صدور حکم بزهکاری که تمام شرایط مقرر قانونی برای استفاده از این نهاد را دارد، خودداری کند؟

علی‌رغم ظاهر عبارت «دادگاه می‌تواند» که دلالت بر تخییر مطلق دارد، به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد. زیرا، زمانی که نهادی در قانون پیش‌بینی می‌شود، با توجه به اصل برابری همگان در برابر قانون، حقی مشروط برای تمام بزهکاران ایجاد می‌گردد مبنی بر اینکه در صورت وجود تمام شرایط قانونی و فقدان مانع از آن بهره ببرند. به علاوه، یکی از شرایط قاضی در حقوق ایران، عدالت می‌باشد. اگر قاضی‌ای از نهاد تعویق صدور حکم نسبت به بزهکاری که استحقاق بهره‌مندی از آن را دارد، خودداری نماید؛ ظلم کرده است و این مخالف صفت عدالت وی می‌باشد. در تقویت این نظر می‌توان به ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تمسک جست. بر اساس ذیل این ماده: «...**رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است...**» در این ماده، مفهوم «مستند» و «مستدل» روشن است، اما در مورد «موجه بودن» باید گفت منظور آن است که رأی با شخصیت بزهکار، نوع جرم و ... منطقا و عقلا متناسب باشد.^۱ بنابراین اگر صدور حکم مجازات بزهکار واجد شرایط به تعویق نیافتد، می‌توان گفت که رأی غیرموجه است.

در صورتی که قاضی دادگاه تصمیم گرفت که صدور حکم مجازات مرتکب را به تعویق بیاندازد باید مدت تعویق را بین شش ماه تا دو سال مشخص کند تا پس از سپری شدن این مدت، وضعیت بزهکار مجددا بررسی شود و در صورت امکان وی را از مجازات معاف نماید.

در نظام حقوقی فرانسه نیز تعویق صدور حکم از زمره اختیارات دادگاه می‌باشد. دوره‌ای که برای تعویق اعم از ساده و آزمایشی در نظر گرفته شده، حداکثر یک سال می‌باشد. اما در مورد تعویق همراه با تعهد، ماده ۶۹-۱۳۲ بیان می‌کند که اگر مقررات قانونی مربوطه مدت دیگری تعیین نکرده باشد، حداکثر این مدت یک سال می‌باشد.

سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا می‌توان صدور حکم مجازات اشخاص حقوقی را هم به تعویق انداخت؟

به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال در نظام حقوقی ایران با توجه به سیاق ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی و مجموعه مقررات مربوط به تعویق صدور حکم منفی می‌باشد. زیرا، در ماده ۴۰ قانون

۱. آقای نیما، حسین؛ «تخفیف مجازات: سلطنت مطلق یا اختیار مقید»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)؛ تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۱۶.

مذکور بیان شده است که قاضی برای استفاده از نهاد تعویق صدور حکم باید «**وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوال ارتکاب جرم**» را مدنظر قرار دهد. مسلماً حداقل دو قید توجه به وضعیت فردی و خانوادگی تنها در مورد اشخاص حقیقی صدق می‌کند. همچنین از شروط مقرر شده برای استفاده از نهاد تعویق صدور حکم، پیش‌بینی اصلاح مجرم می‌باشد (بند ب ماده ۴۰). این شرط نیز دلالت بر موضع اتخاذی دارد. به علاوه مقررات راجع به تعویق مراقبتی و تدابیری که در دوران مراقبتی اعم از موارد ماده ۴۲ و ۴۳ در نظر گرفته شده مانند کسب اجازه از مقام قضایی برای مسافرت به خارج از کشور یا ترک اعتیاد یا شرکت در دوره‌های خاص آموزشی و یادگیری مهارت‌های زندگی و ...، تنها توسط اشخاص حقیقی قابل رعایت است.

در حقوق فرانسه نیز تعویق ساده و تعویق توأم با تعهد طبق مواد ۶۰-۱۳۲ و ۶۴-۱۳۲ قانون جزای فرانسه شامل اشخاص حقوقی می‌شود اما تعویق آزمایشی خیر.

بند دوم: اختیار دادگاه در تعیین نوع تعویق

در قانون مجازات اسلامی، تعویق صدور حکم به دو صورت ساده و مراقبتی پیش‌بینی شده است. بر این اساس، قاضی می‌تواند با توجه به خصوصیات روحی، روانی، اجتماعی و وضعیت شغلی مرتکب و پیش‌بینی اصلاح وی یکی از این دو نوع تعویق را برگزیند.^۱ در تعویق ساده مرتکب باید به صورت کتبی متعهد شود که نه تنها در مدت تعویق مرتکب جرم نشود بلکه به گونه‌ای هم رفتار نکند که از نحوه رفتارش پیش‌بینی شود که در آینده مرتکب جرم خواهد شد. به همین ترتیب، در تعویق مراقبتی نیز مرتکب علاوه بر دو مورد فوق متعهد می‌شود که دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعیین شده رعایت کند یا به موقع اجرا نماید. در صورتی که مرتکب متعهد نشود بدیهی است که دادگاه حکم به مجازات صادر می‌کند. مسلماً، به رسمیت شناختن اراده بزهکار در قالب دادن تعهد، خود به بازپروری و اصلاح او کمک شایانی می‌کند. زیرا، اصلاح مجرم با اجبار وی ممکن نیست؛ بلکه امری ارادی و داوطلبانه می‌باشد.^۲

۱. ماده ۴۱ قانون مذکور آمده است: «تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است.

۲. بر این اساس، نهاد تعویق صدور حکم جلوه‌ای از راهبرد توافقی شدن آیین دادرسی کیفری معرفی شده

در مورد دستورات و تدابیری که مرتکب مکلف است در دوران تعویق رعایت نماید باید بین دو دسته قائل به تفکیک شویم. دسته اول آن تدابیری است که قاضی الزاما باید آنها را مورد دستور قرار دهد و رسالت کنترل کننده و نظارت کننده بر بزهکار دارند و دسته دوم شامل آن تدابیری است که قاضی در ملزم کردن مجرم به آنها اختیار دارد.

تدابیر دسته اول در ماده ۴۲ بیان شده است. این ماده اشعار می‌دارد: «**تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:**

الف) حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر.

ب) ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی.

پ) اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی.

ت) کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور. رعایت این تدابیر توسط مرتکب می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه مجرم در آینده مرتکب جرم نخواهد شد و به دو تعهد دیگر خودش پایبند است. نکته قابل ذکر این است که منظور از مقام قضایی مندرج در بند الف و ت چه کسی می‌باشد؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه پس از صدور قرار تعویق مراقبتی، پرونده برای نظارت و اجرا فرستاده می‌شود و با توجه به ماده ۵۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ منظور از مقام قضایی، قاضی اجرای احکام است.^۱

است. (نگاه کنید به: نیازپور، امیر حسن؛ **توافقی شدن آیین دادرسی کیفری**، تهران، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۹۰، ص ۲۳۶).

۱. ماده ۵۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «صدور حکم آزادی مشروط، قرار تعلیق اجرای مجازات، قرار تعویق صدور حکم... و دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم علیه یا متهم از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌شود. چنانچه محکوم علیه یا متهم در مدت مزبور بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری تبعیت نکند، یا مرتکب جرم

تبصره ماده ۴۲ ق.م.ا. به قاضی صادرکننده قرار تعویق اختیار داده که اگر بزهکار دارای مشکلات مالی بوده به نحوی که آن علت اصلی ارتکاب جرم شمرده شده یا مانعی برای اصلاح و بازپروری وی باشد، ضمن قرار، تدابیر معاضدتی دیگر مثل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی چون بهزیستی یا کمیته امداد امام خمینی (ره) را مدنظر قرار دهد.^۱

تدابیر دسته دوم مواردی است که در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی به صورت حصری ذکر شده و قاضی در مورد دستور قرار دادن یک یا چند مورد از آنها یا عدم الزام به این موارد اختیار دارد. این تدابیر را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. دسته اول تدابیری است که جنبه توانگیری از مجرم را دارند. در این دسته از تدابیر سعی می‌شود امکان و احتمال ارتکاب جرم از بزهکار گرفته شود. این تدابیر شامل اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری، خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتکابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن و خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونین جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه. دسته دوم شامل تدابیری است که جنبه اصلاحی-درمانی دارند که عبارتند از: حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، درمان بیماری یا ترک اعتیاد، پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه و گذراندن دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

در نظام حقوقی فرانسه تعویق صدور حکم به سه شکل ساده، آزمایشی و تعویق همراه با تعهد یا دستور معین^۲ پیش‌بینی شده است. در تعویق ساده، مرتکب در مدت تعویق تحت تدابیر و دستورات خاصی قرار ندارد (ماده ۶۰-۱۳۲). در تعویق آزمایشی، بزهکار در مدت تعویق باید تدابیری که دادگاه مقرر می‌نماید، به طور شایسته رعایت نماید. ماده ۶۴-۱۳۲ قانون جزای فرانسه رژیم تعویق آزمایشی را همان رژیم تعیین شده در مورد تعلیق اجرای مجازات مراقبتی یعنی همان نظامی که در مواد ۴۳-۱۳۲ تا مواد ۴۶-۱۳۲ پیش‌بینی شده، می‌داند.

عمدی شود، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری برای اجرای مقررات مربوط اعلام کند.»

۱. تبصره ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «تدابیر یاد شده می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.»

2. L'ajournement avec injonction.

طبق قانون جزای جدید فرانسه، در مدت تعویق آزمایشی مانند نظام کیفری ایران دو دسته تدابیر وجود دارد که قاضی در مورد حکم قرار دادن یکی از آنها مکلف و در دیگری اختیار دارد. مورد اول شامل تدابیری است که جنبه کنترل کننده دارد و شبیه آن مواردی است که در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی ذکر شده‌اند.^۱

در کنار تدابیر کنترل کننده، قاضی دادگاه می‌تواند مرتکب را به یک یا چند دستور متعهد سازد. ماده ۴۵-۱۳۲ این موارد را بیان کرده است. این تدابیر مانند موارد ذکر شده در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، یا جنبه توانگیری از بزه‌کار دارد (مانند بند ۷) و یا جنبه اصلاح و بازسازی او (مانند بند ۱۸) و یا در راستای ترمیم خسارت‌های وارد بر بزه دیده (مانند بند ۵) می‌باشد.^۲

در این راستا ماده ۱-۷۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقررات قابل اعمال در تعویق آزمایشی را تعیین نموده است. بر این پایه، قاضی اجرای مجازات‌ها، خود یا توسط هر شخص ذیصلاح، اجرای تدبیر را تضمین می‌کند و هرگاه بخواهد، متهم باید خود را به او معرفی نماید. از آنجایی که دخالت قاضی اجرای مجازات بیش از هر چیز به منظور فردی کردن پاسخ کیفری

۱. بر اساس شباهت‌هایی از این دست می‌توان نتیجه گرفت که تعویق صدور حکم در حقوق ایران بیش از هر منبعی، از نظام حقوقی فرانسه تأثیر پذیرفته است.

۲. بر پایه ماده ۴۴-۱۳۲: «تدابیر کنترل کننده‌ای که محکوم باید به آنها تن دهد به شرح زیر می‌باشند:

۱. پاسخ به احضاریه‌های قاضی اجرای کیفرها یا مددکاران اجتماعی تعیین شده.
۲. پذیرفتن ملاقات با مددکاران اجتماعی و ارائه اطلاعات یا مدارکی به آنها که اجازه می‌دهد منابع کسب درآمد و مراتب اجرای تعهداتش را کنترل کنند.
۳. به اطلاع مددکاران اجتماعی رساندن مراتب تغییر شغل.
۴. به اطلاع مددکاران اجتماعی رساندن هرگونه تغییر در محل اقامت و همین‌طور هرگونه مسافرتی که بیشتر از ۱۵ روز طول خواهد کشید و اعلام مراتب بازگشتش پس از اتمام مسافرت.
۵. کسب اجازه پیشین از قاضی اجرای کیفرها برای هرگونه مسافرت به خارج از کشور و همین‌طور برای هرگونه تغییر شغل یا تغییر محل اقامت به گونه‌ای که برای اجرای تعهداتش مانع ایجاد می‌نماید.»
۳. لازم به توضیح است که در ماده ۴۳ تدبیری که به طور مستقیم در جهت ترمیم خسارت بزه دیده باشد، وجود ندارد اما همان‌طور که قبلاً ذکر شده، یکی از شروط اصلی استفاده از نهاد تعویق صدور حکم طبق بند پ ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیباتی برای جبران می‌باشد.

می‌باشد^۱، قانون به وی اختیار داده است تا الزامات خاص تحمیلی به مرتکب را تنظیم، اصلاح یا حذف کند و یا الزامات جدیدی را پیش‌بینی نماید. در صورت عدم رعایت اقدامات امدادی، نظارتی، یا تکالیف خاص به وسیله محکوم، این قاضی می‌تواند از دادگاه، صدور کیفر را خواستار شود^۲.

تعویق همراه با تعهد یا دستور معین نیز شامل تعهد بزهکار به اجرای یک یا چند دستور قانونی یا آیین‌نامه‌ای است که وی آنها را رعایت نکرده است^۳. هنگامی که دادگاه تعویق همراه با تعهد یا دستور معین را صادر می‌کند، طبق ماده ۴-۷۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، قاضی اجرای مجازات‌های حوزه اقامت محکوم، خود یا توسط هر شخص ذی صلاح، اجرای دستورهای مذکور در رأی دادگاه را تضمین می‌کند.

گفتار چهارم: نحوه به تعویق انداختن صدور حکم و آثار آن

دادگاه برای به تعویق انداختن صدور حکم، قراری صادر می‌کند به نام قرار تعویق صدور حکم. نکته قابل ذکر این است که بر پایه تبصره یک ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی، دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند. زیرا، همان‌طور که گفته شد یکی از شرایط این قرار، پیش‌بینی اصلاح مرتکب (بند ۲ ماده ۴۰) می‌باشد و این پیش‌بینی با بررسی وضعیت خاص روحی، روانی، اجتماعی و ... مرتکب امکان‌پذیر است و چنین بررسی‌ای هم نیاز به حضور او دارد.

در نظام حقوقی فرانسه نیز تصمیم به تعویق انداختن صدور حکم به شکل ساده و مراقبتی باید با حضور مجرم یا نماینده شخص حقوقی باشد. اما تصمیم به تعویق همراه با تعهد، ممکن است در غیاب متهم یا نماینده شخص حقوقی صورت گیرد^۴.

۱. کوشا، جعفر؛ **جرائم علیه عدالت قضایی**، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶.

۲. بولک، برنار؛ **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲.

۳. در این ارتباط ماده ۶۶-۱۳۲ قانون جزای جدید فرانسه مقرر می‌کند: «در حالت‌های پیش‌بینی شده در قوانین یا آیین‌نامه‌های سرکوب‌کننده موارد عدم اجرای تعهدهای تعیین شده، دادگاهی که صدور کیفر را معوق می‌نماید می‌تواند شخص حقیقی یا شخص حقوقی بزهکار شناخته شده را متعهد سازد که خودش را با یکی یا با چند تا از مقررات پیش‌بینی شده در این قوانین یا آیین‌نامه‌ها وفق دهد. دادگاه مهلتی را برای اجرای این مقررات به بزهکار اعطا می‌نماید.»

۴. استفانی، گاستون و دیگران؛ **پیشبین**، ص ۷۵۲.

با صدور قرار تعویق صدور حکم اگر مرتکب در بازداشت باشد، دادگاه صادر کننده قرار بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌کند. برای اینکه مقام قضایی در مدت تعویق به بزهکار دسترسی داشته باشد و بتواند رفتار او را ارزیابی کند، دادگاه باید تأمین مناسب أخذ نماید. قسمت دوم تبصره ۲ ماده ۴۱ در این رابطه بیان می‌کند: «... دادگاه می‌تواند در این مورد تأمین مناسب أخذ نماید. در هر صورت أخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب منتهی شود.» بنابراین نه تنها نمی‌توان به عنوان أخذ تأمین، قرار بازداشت موقت صادر کرد؛ بلکه اگر مرتکب وثیقه یا کفیل نداشته باشد، به نظر می‌رسد که نمی‌توان قرار کفالت یا وثیقه هم صادر نمود. زیرا، با صدور این دو قرار و عدم توانایی بزهکار در معرفی کفیل یا وثیقه، وی بازداشت خواهد شد!

گفتار پنجم: پایان قرار تعویق صدور حکم

قرار تعویق صدور حکم در دو حالت پایان می‌یابد. حالت اول زمانی است که مرتکب به تعهدات خودش در مدت تعویق پایبند نمی‌ماند و قاضی این قرار را لغو و حکم به مجازات وی می‌دهد. حالت دوم نیز وقتی است که مرتکب مدت تعویق را با رعایت تعهداتش به پایان می‌رساند. هر یک از این دو حالت تحت دو بند شرح داده می‌شوند.

بند اول: لغو قرار تعویق صدور حکم

همان طور که اشاره شد مرتکب برای صدور قرار تعویق صدور حکم، تعهداتی را باید بدهد. در تعویق ساده وی متعهد می‌شود که اولاً: مرتکب جرمی نشود و ثانیاً: به گونه‌ای رفتار کند که از نحوه رفتارش پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نخواهد شد. در تعویق مراقبتی مرتکب علاوه بر دو تعهد قبلی تعهد سومی هم مبنی بر تبعیت و رعایت دستورات دادگاه، می‌دهد. حال، باید ضمانت اجرای هر یک از این تعهدات مشخص شود.

۱. ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ در این رابطه مقرر می‌داشت: « متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر شده، در صورت عجز از معرفی یا تودیع وثیقه بازداشت خواهد شد». در حال حاضر نیز ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مؤید این مطلب است.

در مورد ضمانت اجرای تعهد اول (یعنی عدم ارتکاب جرم) چه در تعویق ساده و چه در تعویق مراقبتی، قسمت اول ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «در مدت تعویق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند...» همان‌طور که مشاهده می‌شود در صورت ارتکاب جرم، چه به صورت حدی یا جنایات و تعزیرات، قرار تعویق صدور حکم لغو می‌شود و دادگاه مبادرت به صدور حکم مجازات می‌نماید. باید توجه داشت از آنجایی که اکثر جنایات مستوجب دیه به صورت غیر عمدی انجام می‌شود، مقنن با آوردن قید «عمدی» در نظر داشته تا ارتکاب جنایات غیر عمدی که در آنها مرتکب خواست مجرمانه و مقابله با جامعه را ندارد، موجب لغو قرار تعویق نشود. البته، چنین قیدی در پیش نویس این قانون وجود نداشت و در نسخه نهایی اضافه شده است.^۱

نکته قابل ذکر این است که قید مذکور تنها در مورد جنایات به رسمیت شناخته شده و اگر تعزیراتی همراه با تقصیر جزایی (یعنی به صورت غیر عمد) باشد، مانند جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده، و مجرم در دوران تعویق مرتکب آن شود، قرار تعویق صدور حکم لغو خواهد شد. زیرا، مقنن در مقام بیان بوده و اگر می‌خواست، این قید را به تعزیرات نیز اضافه می‌کرد. البته بهتر بود که هر جرم غیر عمدی از شمول ماده ۴۴ خارج می‌شد و قید «عمدی» بعد از واژه «جرم» در عبارت «در صورت ارتکاب جرم...» آورده می‌شد.

در مورد تعهد دوم نیز در هر دو نوع تعویق ساده و مراقبتی، هیچ ضمانت اجرایی به صورت صریح پیش‌بینی نشده است. در این مورد، مسلماً دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق را لغو کند یا به مدت تعویق بیافزاید. به نظر می‌رسد ضمانت اجرای این تعهد را باید در ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی جستجو کرد. بر این اساس، اگر مرتکب به تعهد دوم خودش عمل نکند و از نحوه رفتار این‌طور برنیاید که در آینده مرتکب جرم نمی‌شود، قاضی پس از اتمام مدت تعویق می‌تواند به جای صدور حکم معافیت، حکم محکومیت وی را صادر کند. به عبارت دیگر، ضمانت اجرای تعهد دوم، صدور حکم محکومیت در پایان مدت تعویق است.

۱. در ماده ۴۳ لایحه مجازات اسلامی آمده بود: «در مدت تعویق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر درجه هفت، دادگاه نسبت به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر خواهد کرد...»

در مورد ضمانت اجرای تعهد سوم در تعویق مراقبتی نیز قسمت دوم ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده که در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه، قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر نماید.

با توجه به موارد فوق و ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی، سؤال قابل طرح این است که ضمانت اجرای ارتکاب جرم تعزیری درجه هشت در مدت تعویق چیست؟ یک پاسخ می‌تواند این باشد که با توجه به اینکه طبق قسمت اول ماده ۴۴ ارتکاب چنین جرمی موجب لغو قرار تعویق نمی‌شود و اینکه ارتکاب جرم در هر حال نسبت به عدم رعایت دستورات دادگاه شدیدتر است و نظر به اینکه با توجه به تعیین ضمانت اجرا نسبت به تخطی از دستورات دادگاه نمی‌توان نسبت به ارتکاب چنین جرمی بی تفاوت بود، باید ارتکاب چنین جرمی را مشمول قسمت دوم ماده ۴۴ دانست. نظر دیگر می‌تواند این باشد که با توجه به عدم تصریح به ارتکاب جرم تعزیری درجه هشت در ماده مذکور، ارتکاب این جرم بدون ضمانت اجرایی بوده و تأثیری در لغو قرار یا افزایش مدت تعویق نخواهد داشت. این نظر با تفسیر مضیق نصوص جزایی و تفسیر به نفع متهم سازگارتر است.

مورد دیگری که موجب لغو قرار تعویق صدور حکم می‌شود در ماده ۵۵ قانون ذیل بحث تعلیق اجرای مجازات ذکر شده است. طبق ماده مذکور در دو حالت دادگاه قرار تعویق صادره را لغو می‌کند. اول جایی که مرتکب دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر بوده و قاضی بدون توجه به آن صدور حکم وی را به تعویق انداخته است. در واقع در این حالت مرتکب یکی از شرایط لازم برای صدور قرار تعویق (یعنی شرط مندرج در بند ت ماده ۴۰) را نداشته است. دوم در جایی است که مرتکب سابقه محکومیت‌های قطعی دیگری داشته که صدور حکم در مورد یکی از آنها به تعویق افتاده باشد و قاضی بدون توجه به آن، صدور حکم در مورد جرم حاضر وی را به تعویق انداخته است.

نکته آخر اینکه اگر دادگاه به هر دلیلی قرار تعویق را لغو کند و اقدام به صدور حکم محکومیت نماید، نمی‌تواند قرار تعلیق اجرای مجازات صادر کند.

در نظام حقوقی فرانسه اگر مرتکب از تدابیر نظارتی و مددکاری یا الزامات خاص تحمیلی بر او تبعیت نکند، قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند پیش از انقضا مدت، از دادگاه صدور کیفر را

خواستار شود (ماده ۳-۷۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری)^۱. همچنین قاضی اجرای مجازات‌ها طبق ماده ۱۷-۷۱۲ قانون مذکور می‌تواند علیه محکوم تحت نظارت خود دستور جلب صادر نماید^۲. در این حال، بر اساس ماده ۳-۷۴۷ او می‌تواند با قرار موجهی که براساس درخواست‌های دادستان اتخاذ می‌شود، تصمیم بگیرد که محکوم به صورت موقت، در نزدیک‌ترین مؤسسه زندان محبوس گردد. همچنین، تشکیل دادگاه جنحه در کوتاه‌ترین مدت برای تصمیم‌گیری در خصوص مجازات درخواست می‌شود. پرونده نیز باید حداکثر ظرف پنج روز از حبس محکوم در جلسه دادگاه ثبت شود، در غیر این صورت، ذی نفع رأساً آزاد می‌گردد^۳.

در تعویق همراه با تعهد یا دستور معین بررسی اجرای تعهدات و الزامات یا عدم آن در پایان مدت تعویق انجام می‌شود.

بند دوم: اتمام مدت تعویق

با اتمام مدت تعویق جلسه دادرسی مجدداً برگزار می‌شود تا میزان پایبندی مجرم به تعهداتش، وضعیت روحی و روانی مرتکب و شرایط خاص وی و همچنین میزان اصلاح رفتار مرتکب با توجه به گزارش‌های مددکاری ارزیابی شود. حال اگر مرتکب اصلاح شده و به اجرای تعهداتش اهتمام تامی داشته است، وی را از مجازات معاف می‌کند والا نسبت به تعیین کیفر اقدام می‌نماید. در این رابطه ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: « پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.»

۱. بولک، برنار؛ پیشین، ص ۱۵۲.

۲. ماده ۱۷-۷۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌کند: «قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند در صورت عدم رعایت الزاماتی که بر عهده محکوم گذاشته شده است، علیه محکوم تحت نظارت خود دستور جلب صادر نماید. اگر محکوم فراری یا ساکن خارج از کشور باشد، او می‌تواند دستور بازداشت صادر نماید. صدور دستور بازداشت تا زمان اجرای آن، مهلت اجرای مجازات یا تدابیر اصلاحی را به حالت تعلیق در می‌آورد. ...»

۳. تدین، عباس؛ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱، ص ۵۲۹.

در نظام حقوقی فرانسه، دادگاه در همان تصمیم خود مبنی بر تعویق، تاریخی را تعیین می‌نماید که در آن تاریخ در مورد کیفر تصمیم‌گیری خواهد کرد. در آن موعد جلسه رسیدگی تشکیل می‌شود. در این جلسه دادگاه آن شرایطی که بر مبنای آنها تصمیم به تعویق صدور حکم گرفته را بررسی می‌نماید. دادگاه بر اساس اینکه آن موارد (یعنی بازپروری اجتماعی بزهکار، جبران خسارت وارده و متوقف شدن بی‌نظمی ناشی از جرم) رضایت‌بخش است یا خیر و همچنین با در نظر گرفتن رفتار بزهکار در مدت تعویق، او را محکوم یا از کیفر معاف می‌نماید و یا برای بار دوم و آخرین بار صدور حکم به کیفر را به تعویق می‌اندازد.^۱ به علاوه در تعویق همراه با آزمایش، قاضی اجرای مجازات با جلب رضایت دادستان شهرستان می‌تواند خود معافیت از کیفر را مورد حکم قرار دهد. ذیل ماده ۶۵-۱۳۲ قانون جزای جدید فرانسه بیان می‌کند: «**قاضی اجرای مجازات ها با موافقت دادستان شهرستان می‌تواند ۳۰ روز پیش از جلسه رسیدگی بعدی به دنبال یک بحث حضوری انجام گرفته مطابق با مقررات ماده ۶-۷۱۲ مجموعه قانون آیین دادرسی کیفری به تشخیص معافیت از کیفر را مورد حکم قرار دهد.**»

در تعویق همراه با تعهد یا دستور معین نیز در جلسه رسیدگی بعدی، هنگامی که تعهدهای پیش‌بینی شده در مهلت تعیین شده به اجرا گذاشته شده‌اند، دادگاه می‌تواند خواه بزهکار را از کیفر معاف کند، خواه کیفرهای پیش‌بینی شده در قانون یا آیین‌نامه را مورد حکم قرار دهد. البته قاضی برخلاف تعویق ساده و همراه با آزمایش، نمی‌تواند مجدداً تصمیم‌گیری را برای دوره‌ای خاص به تعویق بیاورد.

هنگامی که تعهدهای صورت گرفته با تأخیر انجام گرفته‌اند در صورت مقتضی دادگاه به تعهد اجباری پایان می‌دهد و کیفرهای پیش‌بینی شده در قانون یا آیین‌نامه را مورد حکم قرار می‌دهد. در صورتی که تعهدهای اجباری انجام نگرفته‌اند مانند مورد قبل در صورت مقتضی دادگاه به تعهدهای اجباری پایان می‌دهد و کیفرهای پیش‌بینی شده را مورد حکم قرار می‌دهد و افزون بر این دادگاه می‌تواند بر مبنای حالت‌ها و شرایط پیش‌بینی شده در قانون یا آیین‌نامه دستور دهد که اجرای تعهدهای اجباری یاد شده به هزینه محکوم ادامه بیاید (۶۹-۱۳۲).

۱. مواد ۶۱-۱۳۲ و ۶۵-۱۳۲ قانون جزای جدید فرانسه.

نتیجه گیری

نهاد تعویق صدور حکم بیانگر تغییر رویکرد تصمیم‌گیران سیاست‌جنایی از کیفرگرایی به کیفرزدایی می‌باشد. همچنین، استفاده بیش از پیش از تدابیر بازپرورانه و مددکاران اجتماعی، نشان از این دارد که قانون‌گذار با رویکردی نوین به دنبال اصلاح بزهکار است. در واقع، مقنن قصد دارد با اجتناب از تبعات منفی کیفر و نگاه‌داشتن مجرم در جامعه او را هنجارمند کند. نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت (البته برای نوجوانان بزهکار در تمام جرائم تعزیری) و به دو صورت ساده و مراقبتی و در حقوق فرانسه در جرائم جنحی‌ای و خلافی و به سه شکل ساده، آزمایشی (مراقبتی) و توأم با دستور معین پیش‌بینی شده است. در هر دو نظام، بزهکار در تعویق ساده تحت تدابیر و دستورات خاصی قرار نمی‌گیرد. همچنین، تعویق مراقبتی در دو نظام مذکور، همراه با تدابیر کنترل‌کننده و تدابیر بازپرورانه است. مورد اول، تدابیر الزامی و دسته‌اخیر، اختیاری می‌باشد. با توجه به شروط مقرر برای بهره‌مندی از این نهاد و همچنین تعیین اینکه کدام یک از انواع تعویق ساده یا مراقبتی برای بزهکار مناسب‌تر است، تشکیل پرونده شخصیت لازم به نظر می‌رسد. اما متأسفانه این امر نه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و نه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ الزامی است. اما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، این نقیصه با توجه به مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ تا حدودی رفع گردیده است. از مسائل مهم مطرح در نهاد تعویق صدور حکم، الزامی یا اختیاری بودن استفاده از این نهاد می‌باشد. ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عبارت «می‌تواند» را بکار برده است. اما سؤال اصلی این است که آیا قاضی می‌تواند از به تعویق انداختن صدور حکم شخصی که قابلیت بازپروری و شرایط مقرر قانونی برای بهره‌مندی از این نهاد را دارد، خودداری نماید؟ به نظر می‌رسد در صورتی که از نهاد تعویق صدور حکم در مورد چنین شخصی استفاده نشود و قاضی حکم به مجازات صادر نماید، با توجه به ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، چنین رأیی موجه نباشد. بحث مهم دیگر در مورد این نهاد، شمول آن بر جرائم اشخاص حقوقی به ویژه با توجه به پذیرش اصل مسئولیت آنها در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. در حقوق ایران، با توجه به سیاق ماده ۴۰ قانون مذکور و قیدهایی چون «ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی» و پیش‌بینی شرط «اصلاح مرتکب» و مجموعه مقررات این نهاد از قبیل

دستورات و تدابیر مقرر در تعویق مراقبتی، به نظر می‌رسد قاضی نمی‌تواند صدور حکم اشخاص حقوقی را به تعویق بیاورد. البته با توجه به اینکه امروزه اشخاص حقوقی تأثیرات شگرفی بر مناسبات اقتصادی (از نظر اشتغال، تولید، توزیع کالاهای اساسی و...) و اجتماعی دارند، مناسب است که این اشخاص نیز در قلمروی نهاد تعویق صدور حکم قرار بگیرند. در حقوق فرانسه، اشخاص حقوقی بر خلاف تعویق آزمایشی، مشمول تعویق ساده و تعویق توأم با دستور معین هستند. برای اینکه این نهاد بتواند در نظام کیفری کارایی داشته باشد و در راستای رسالتش حرکت کند، لازم است که اولاً: قضات با فلسفه و مبانی آن آشنا شوند و ثانیاً: فرهنگ کیفرگرایی در دستگاه قضایی کنار گذاشته شود. در این ارتباط، اشاره به دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۷۱۳۱۱۰۰۳۸۰ شعبه ۱۰۱ جزایی نی‌ریز که در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۱۶ صادر شده، مفید به نظر می‌رسد. این دادگاه در مورد شخصی که مرتکب سرقت چند شاخه لوله انتقال آب شده بود، با توجه به عدم سابقه محکومیت، اقرار متهم و رضایت وی، از تعویق ساده بهره برده است. امید است که نهاد تعویق صدور حکم به سرنوشت نهاد تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ دچار نشود و قضات با توجه به مبانی اصلی آن، از این نهاد به ویژه نسبت به نوجوانان بزهکار که قانون‌گذار ارفاق بیشتری برای آنها در نظر گرفته، بهره ببرند.

فهرست منابع

الف) فارسی و عربی

۱. آشوری، محمد؛ **آیین دادرسی کیفری**، ج نخست، تهران، انتشارات سمت، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸.
۲. آقایبی جنت مکان، حسین؛ **حقوق کیفری عمومی**، ج دوم، تهران، نشر جنگل، چاپ نخست، ۱۳۹۰.
۳. آقایبی نیا، حسین؛ «**تخفیف مجازات: سلطنت مطلق یا اختیار مقید**»، در: علو جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)؛ تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
۴. اردبیلی، محمد علی؛ **حقوق جزای عمومی**، ج دوم، تهران، نشر میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۸۶.
- استقانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار؛ **حقوق جزای عمومی**، ترجمه حسن دادبان، ج دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۵. بوریگان، ژان و سیمون، آن ماری؛ **آیین دادرسی کیفری**، ترجمه عباس تدین، تهران، انتشارات خردسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۶. بولک، برنار؛ **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۷. پرادل، ژان؛ **تاریخ اندیشه‌های حقوق کیفری**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۰.
۸. تدین، عباس؛ **قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه**، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱.
۹. توجهی، عبدالعلی؛ «**اندیشه حمایت از بزه دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران**»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.

۱۰. حاجی تبار فروزجایی، حسن؛ **جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۶.
۱۱. خالقی، علی؛ **آیین دادرسی کیفری**، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۲. رضایی، غلامحسین؛ **راهبردهای تعلیق و تعقیب در فرایند کیفری**، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
۱۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ **المبسوط فی فقه الإمامیه**، ج ۸، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۱۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ **الخلافا**، ج ۵، قم، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۵. عمید، حسن؛ **فرهنگ فارسی عمید**، ج اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
۱۶. قجاوند، کاظم؛ «**مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس**»، مجله اصلاح و تربیت، ش ۱۰۲، ۱۳۸۹.
۱۷. کوشا، جعفر؛ **جرائم علیه عدالت قضایی**، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۱۸. لوترمی، لورانس و کلب، پاتریک؛ **بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه**، ترجمه محمود روح الامینی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۹. محقق داماد، مصطفی؛ **قواعد فقه ۴** (بخش جزایی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹.
۲۰. مرادیان، مجتبی؛ «**تعویق صدور حکم کیفری در حقوق ایران و فرانسه**»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
۲۱. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ **دانشنامه جرم شناسی**، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۲۲. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
۲۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ «مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)»، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست ششم، ۱۳۹۰.
۲۴. نوربها، رضا؛ **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۷.
۲۵. نیاز پور، امیر حسن؛ **توافقی شدن آیین دادرسی کیفری**، تهران، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۹۰.
۲۶. هامای، کواشی و دیگران؛ **تعلیق مراقبتی در دنیا**، ترجمه حسین آقای‌نیا، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷.

(ب) لاتین

27. Holman, Johne and Quinn, James F, Criminal justice: principles and perspectives, West publishing Company. US. 1995.
28. Malley, Pat. O, "Penal policies and Contemporary Politics", In: Chambliss, William. J (Advisory Editors), The Blackwell Companion to criminology, Blackwell publishers, 2007.
29. Norrie, Alan, Punishment, Responsibility and Justice, A Relational Critique, Oxford University press, 2002.
30. Sdane, M.D. Marligan and Krause. Wesley, Community Corrections, Macmillan publishing company, 1993.
31. Siegel, Larry J. & Joseph j. Senna, Introduction criminal justice, Thomson & Wads Worth, 2009.
32. Zaibert, Leo, Punishment and Retibution, Ashgate publishing company, 2005.

